

بررسی نقش استقرار حاکمیت شرکتی در ارتقای شفافیت گزارشگری مالی و بهبود عملکرد شرکتها

مبینا دورودیان^۱ و مهدی سرائی تبریزی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، گرایش سیستم‌های مالی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mobina.doroudian@iaui.ir

۲. دانشیار گروه علوم و مهندسی آب، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

شفافیت گزارشگری مالی یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و بهبود کارایی بازارهای مالی محسوب می‌شود. کاهش این شفافیت اغلب به دلیل ناکارآمدی در ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و ضعف نظارت رخ می‌دهد که می‌تواند زمینه‌ساز مدیریت سود و ارائه اطلاعات کم‌تر قابل‌اتکا شود. از این‌رو بررسی نقش ساختارهای حاکمیت شرکتی در ارتقای شفافیت گزارشگری مالی ضرورت می‌یابد. هدف این پژوهش بررسی نقش ساز و کارهای حاکمیت شرکتی در بهبود شفافیت گزارشگری مالی است. این مطالعه از نوع مروری-تحلیلی بوده و با رویکرد مرور نظام‌مند انجام شده است. در این راستا، پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی منتشر شده طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ که به موضوع حاکمیت شرکتی، شفافیت گزارشگری مالی و مدیریت سود پرداخته‌اند شناسایی و انتخاب شدند. شاخص‌های مرتبط با شفافیت گزارشگری مالی و روش‌های اندازه‌گیری مدیریت سود از مقالات استخراج و دسته‌بندی شده و سپس با رویکرد تحلیل محتوایی بررسی شدند. مطالعات پیشین نشان می‌دهد تخصص هیئت‌مدیره و کارآمدی کمیته حسابرسی در بسیاری از موارد با افزایش شفافیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت دارند. با این حال، تأثیر استقلال هیئت‌مدیره در مطالعات مختلف یکسان نیست؛ در برخی پژوهش‌ها اثر مثبت، در برخی منفی و در برخی بدون اثر گزارش شده است. پژوهش‌های داخلی بیان می‌کنند که کیفیت حسابرسی داخلی می‌تواند دقت و صحت گزارشگری مالی را تقویت کرده و به افزایش شفافیت کمک کند. همچنین نتایج پژوهش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد شرکت‌هایی با ساختار حاکمیت شرکتی قوی‌تر، سطح پایین‌تری از مدیریت سود واقعی دارند. در مجموع، تقویت ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، به‌ویژه در حوزه نظارت حرفه‌ای و کنترل‌های داخلی، نقش مؤثری در افزایش شفافیت گزارشگری مالی دارد. تقویت ساز و کارهای حاکمیت شرکتی به‌ویژه در حوزه‌ی نظارت حرفه‌ای و کنترل‌های داخلی می‌تواند نقش معناداری در ارتقای شفافیت گزارشگری مالی داشته باشد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، کیفیت گزارشگری مالی، مدیریت سود واقعی

مقدمه

شفافیت گزارشگری مالی یکی از عوامل کلیدی در حفظ کارایی بازارهای مالی و ایجاد اعتماد میان سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان است. هرگونه ضعف در جریان اطلاعات مالی می‌تواند به افزایش عدم اطمینان، کاهش اتکاپذیری گزارش‌ها و بروز تصمیم‌گیری‌های نادرست منجر شود. از سوی دیگر، ناکارآمدی در ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و ضعف نظارت می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتارهایی نظیر مدیریت سود و شفافیت اطلاعات مالی را کاهش دهد. با توجه به نقش اساسی شفافیت در سلامت بازار و کیفیت تصمیم‌گیری، بررسی عوامل تقویت‌کننده آن، به‌ویژه ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، ضرورت می‌یابد. پژوهش‌های مختلف به بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی پرداخته‌اند. یافته‌های برخی مطالعات نشان می‌دهد تخصص اعضای هیئت‌مدیره و کارآمدی کمیته حسابرسی از عوامل مهمی هستند که می‌توانند از طریق نظارت مؤثر، شفافیت اطلاعات مالی را افزایش دهند (Salehi et al., 2023). همچنین شواهد پژوهشی بیان می‌کند که تقویت نظام حسابرسی داخلی، دقت و صحت گزارشگری مالی را ارتقاء می‌بخشد و احتمال مدیریت سود را کاهش می‌دهد (Hsu and Yang, 2022). با این حال، پژوهش‌ها در خصوص نقش استقلال هیئت‌مدیره نتایج یکسانی ارائه نکرده‌اند و برخی مطالعات رابطه مثبت، برخی رابطه منفی و برخی نیز عدم رابطه معنادار را گزارش کرده‌اند (Asiedu and Mensah, 2023).

افزون بر این، پژوهش‌های داخلی نیز نشان می‌دهد که سازوکارهای نظارتی، کنترل‌های داخلی و کیفیت حسابرسی داخلی نقش قابل‌توجهی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی دارند (ارواحی و رجائی‌زاده هرنندی، ۱۴۰۱). مجموعه این شواهد نشان می‌دهد که اگرچه حاکمیت شرکتی یکی از عوامل مؤثر بر شفافیت مالی است، اما نوع و میزان تأثیر سازوکارهای مختلف آن بسته به ویژگی‌های شرکت، ساختار نظارتی و زمینه نهادی متفاوت است. با وجود انجام پژوهش‌های متعدد در زمینه حاکمیت شرکتی و گزارشگری مالی، نتایج موجود همچنان پراکنده و بعضاً متناقض‌اند؛ به‌ویژه در خصوص استقلال هیئت‌مدیره، کیفیت نظارت داخلی و میزان اثربخشی کمیته حسابرسی. افزون بر این، بخش قابل‌توجهی از تحقیقات پیشین تنها به بررسی جداگانه هر یک از سازوکارهای حاکمیت شرکتی پرداخته و ارتباط هم‌زمان چندین سازوکار با شفافیت گزارشگری مالی را به‌صورت تلفیقی بررسی نکرده‌اند. این خلأ پژوهشی، همراه با اهمیت روزافزون شفافیت مالی در محیط رقابتی و پیچیده سازمان‌ها، ضرورت انجام مطالعه‌ای جامع برای تبیین دقیق‌تر رابطه میان سازوکارهای حاکمیت شرکتی و ارتقای شفافیت گزارشگری مالی را برجسته می‌سازد.

ارواحی و رجائی‌زاده هرنندی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی اثر سازوکارهای نظارتی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج نشان داد که تقویت کنترل‌های داخلی و استقرار حسابرسی داخلی کارآمد می‌تواند خطاها و انحرافات گزارشگری را کاهش داده و قابلیت اتکای اطلاعات مالی را افزایش دهد. از منظر تبیینی، این یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچه سازوکارهای کنترلی درون‌سازمانی رسمی‌تر و ساختارمندتر باشند، فضای مانور مدیریتی برای ارائه اطلاعات کم‌اتکا محدودتر شده و کیفیت خروجی گزارشگری بهبود

می‌یابد. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که شرکت‌هایی که از واحد حسابرسی داخلی ساختارمند و مستقل برخوردارند، در مقایسه با سایر شرکت‌ها کیفیت گزارشگری مالی بالاتری ارائه می‌کنند.

Salehi et al. (2023) در پژوهشی سازوکارهای حاکمیت شرکتی را در ارتباط با شفافیت گزارشگری مالی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که تخصص و آگاهی هیئت‌مدیره می‌تواند احتمال اعمال نظارت مؤثر بر مدیریت را افزایش داده و از بروز مدیریت سود و انتشار اطلاعات انحرافی جلوگیری کند. این نتیجه دلالت دارد که «توان نظارتی» هیئت‌مدیره صرفاً به وجود آن وابسته نیست، بلکه به کیفیت سرمایه انسانی آن (دانش مالی، تجربه حرفه‌ای و قدرت تحلیل) گره خورده است؛ بنابراین انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که هیئت‌مدیره از تخصص کافی برخوردار نیست، حتی با وجود ساختارهای رسمی حاکمیتی، اثرگذاری نظارت کاهش یابد.

Hsu and Yang (2022) به بررسی نقش سازوکارهای نظارتی، به‌ویژه عملکرد کمیته حسابرسی، در کاهش مدیریت سود واقعی و افزایش قابلیت اتکای گزارشگری مالی پرداختند. یافته‌ها نشان داد شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی فعال‌تر و حرفه‌ای‌تری دارند، سطح پایین‌تری از مدیریت سود واقعی را تجربه کرده و کیفیت افشای بالاتری ارائه می‌کنند. از منظر تحلیلی، اهمیت این نتیجه در آن است که کمیته حسابرسی «بازوی تخصصی» نظارت بر فرایند گزارشگری است و می‌تواند شکاف اطلاعاتی میان مدیریت و ذی‌نفعان را کاهش دهد؛ به همین دلیل در بسیاری از مطالعات، اثر این سازوکار نسبت به برخی مؤلفه‌های کلی‌تر حاکمیت شرکتی مستقیم‌تر و قابل مشاهده‌تر گزارش شده است.

Asiedu and Mensah (2023) نیز در مطالعه‌ای تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر عملکرد و کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌ها را بررسی کردند. نتایج نشان داد استقلال هیئت‌مدیره زمانی می‌تواند اثر مثبت بر شفافیت و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه داشته باشد که با تخصص کافی، قدرت نظارتی و مشارکت واقعی اعضا در فرآیند تصمیم‌گیری همراه باشد؛ در غیر این صورت استقلال صوری نه تنها شفافیت را افزایش نمی‌دهد، بلکه ممکن است کارایی نظارت را کاهش دهد. بر این اساس، می‌توان اختلاف نتایج مطالعات درباره «استقلال هیئت‌مدیره» را تا حد زیادی ناشی از تفاوت در کیفیت استقلال (واقعی در برابر صوری)، تفاوت در قدرت اعمال نظارت، و نیز زمینه نهادی و ساختار مالکیت شرکت‌ها دانست.

در مجموع، مقایسه این مطالعات نشان می‌دهد سازوکارهای حاکمیت شرکتی زمانی به ارتقای شفافیت گزارشگری مالی منجر می‌شوند که دو شرط هم‌زمان برقرار باشد: ۱) ساختارهای نظارتی فعال و مستقل (مانند کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی) و ۲) ظرفیت تخصصی و قدرت اجرایی نظارت (به‌ویژه در هیئت‌مدیره). بنابراین، تمرکز صرف بر شاخص‌های ظاهری (مثل استقلال صوری) بدون توجه به کیفیت و کارکرد واقعی نظارت، می‌تواند به نتایج متناقض در ادبیات منجر شود.

با توجه به نتایج متفاوت و گاه متناقض پژوهش‌ها درباره میزان اثربخشی سازوکارهایی همچون استقلال هیئت‌مدیره، کیفیت کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی، همچنان ابهاماتی در خصوص نقش واقعی این عوامل در ارتقای شفافیت گزارشگری مالی وجود دارد. بنابراین، هدف این پژوهش آن است که با رویکرد مرور نظام‌مند، مهم‌ترین سازوکارهای حاکمیت شرکتی را شناسایی کرده و نقش آن‌ها را در بهبود شفافیت گزارشگری مالی و کاهش مدیریت سود به صورت تلفیقی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش با استفاده از رویکرد مرور نظام‌مند و با اتکا به چارچوب پیشنهادی ترنفلد و همکاران (Tranfield et al., 2003) انجام شد. هدف از این رویکرد آن است که مطالعات پیشین درباره حاکمیت شرکتی، شفافیت گزارشگری مالی و مدیریت سود به صورت منظم، قابل اعتماد و قابل تکرار شناسایی و بررسی شوند.

راهبرد جست‌وجو و پایگاه‌های اطلاعاتی: در این راستا، جست‌وجو در پایگاه‌های علمی معتبر شامل *Web of Science* *Scopus*، *ScienceDirect*، *Emerald Insight* و پایگاه داخلی *SID* انجام گرفت. برای بازیابی مطالعات مرتبط، مجموعه‌ای از کلیدواژه‌های مرتبط به صورت ترکیبی و همزمان به کار گرفته شد تا پوشش مناسبی از ادبیات پژوهش فراهم شود.

بازه زمانی مطالعات: بازه زمانی جست‌وجو ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ تعیین شد تا پژوهش‌های انتخاب‌شده از نظر موضوعی جدید و به روز باشند.

فرایند غربال‌گری و انتخاب مطالعات: پس از گردآوری مقالات، فرایند غربال‌گری انجام شد و تنها مطالعاتی انتخاب شدند که از نظر موضوعی با اهداف پژوهش مرتبط بوده و از نظر روش‌شناسی نیز کیفیت قابل قبولی داشتند. در مقابل، مقالات نامرتبط یا فاقد کیفیت علمی لازم حذف شدند.

استخراج و طبقه‌بندی داده‌ها: در ادامه، شاخص‌ها، مدل‌ها و معیارهای سنجش مربوط به حاکمیت شرکتی، مدیریت سود و شفافیت گزارشگری مالی از پژوهش‌های منتخب استخراج شد و سپس داده‌های حاصل به صورت طبقه‌بندی‌شده و منظم سامان‌دهی گردید.

روش تحلیل داده‌ها: برای تحلیل داده‌های استخراج‌شده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) بر اساس مراحل پیشنهادی براون و کلارک (Braun and Clarke, 2006) استفاده شد. این روش امکان شناسایی مضامین اصلی، الگوهای تکرارشونده و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در مطالعات مختلف را فراهم می‌سازد.

ملاحظات زمینه‌ای در تفسیر نتایج: به منظور تفسیر دقیق‌تر یافته‌ها، عوامل زمینه‌ای از جمله تفاوت در قوانین کشورها، ساختار مالکیت، سطح توسعه بازارهای مالی و فرهنگ اقتصادی نیز در تحلیل و تبیین نتایج مورد توجه قرار گرفتند.

نتایج و بحث

یافته‌های حاصل از مرور نظام‌مند مطالعات منتخب و تحلیل مضمون نشان داد که نقش حاکمیت شرکتی در ارتقای شفافیت گزارشگری مالی ماهیتی چندبعدی، تعاملی و زمینه‌محور دارد؛ به گونه‌ای که اثرگذاری آن را نمی‌توان به یک سازوکار منفرد تقلیل داد. بر اساس نتایج، بهبود شفافیت زمانی حاصل می‌شود که مجموعه‌ای از سازوکارهای نظارتی در کنار یکدیگر و به صورت هماهنگ عمل کنند و در تعامل با محیط نهادی و سازمانی قرار گیرند. این موضوع نشان می‌دهد که شفافیت مالی بیش از آنکه یک پیامد ساختاری ساده باشد، نتیجه عملکرد واقعی نهادهای نظارتی و کیفیت اجرای آن‌ها در سطح شرکت است.

یکی از مضامین اصلی استخراج‌شده از پژوهش‌ها، ضرورت هم‌زمانی استقلال و تخصص در هیئت‌مدیره است. یافته‌ها نشان داد استقلال هیئت‌مدیره بدون برخورداری اعضا از دانش مالی و تجربه حرفه‌ای، غالباً به نظارتی سطحی و کم‌اثر منجر می‌شود؛ در مقابل، تخصص بدون استقلال نیز توان مقابله با نفوذ مدیریت و رفتارهای فرصت‌طلبانه را کاهش می‌دهد (Salehi et al., 2023). این نتیجه با شواهد پژوهش‌های فراتحلیلی نیز همسو است و نشان می‌دهد هیئت‌مدیره متخصص و مستقل نقش معناداری در کاهش مدیریت سود و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی ایفا می‌کند (Garcia-Meca and Sánchez-Ballesta, 2021). از منظر تحلیلی، می‌توان بیان کرد که اختلاف نتایج پژوهش‌های پیشین درباره استقلال هیئت‌مدیره تا حد زیادی ناشی از تفاوت میان استقلال واقعی و استقلال صوری است؛ زیرا در بسیاری از شرکت‌ها استقلال صرفاً در ظاهر رعایت می‌شود و اعضا در عمل قدرت نظارتی کافی ندارند. بنابراین، نقش هیئت‌مدیره زمانی تقویت می‌شود که استقلال و توان حرفه‌ای به صورت توأمان وجود داشته باشد.

مضمون دوم به نقش کمیته حسابرسی به عنوان سازوکار اصلی اعتباردهی به صورت‌های مالی مربوط می‌شود. تحلیل مطالعات نشان داد فعال بودن کمیته حسابرسی، به‌ویژه در صورت وجود اعضای مستقل و دارای تخصص مالی و حسابرسی، موجب کاهش خطاهای گزارشگری و محدودسازی دستکاری سود می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های اخیر همسو بوده و بیان می‌کند شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی فعال‌تر و مستقل‌تری دارند، سطح مدیریت سود واقعی کمتری را تجربه می‌کنند و افشای مالی در آن‌ها قابل‌اتکاتر است (Hsu and Yang, 2022). این موضوع بیانگر آن است که کمیته حسابرسی یکی از مؤثرترین ابزارهای نظارت تخصصی بر فرایند گزارشگری مالی محسوب می‌شود، زیرا برخلاف برخی سازوکارهای کلی، مستقیماً بر کیفیت افشا و کنترل دستکاری سود تمرکز دارد. همچنین برخی شواهد بیان می‌کنند که ویژگی‌های ترکیب هیئت‌مدیره، از جمله تنوع جنسیتی اعضا، می‌تواند بر کیفیت افشا و گزارشگری شرکت‌ها اثرگذار باشد؛ به گونه‌ای که افزایش تنوع هیئت‌مدیره با ارتقای کیفیت گزارشگری و شفافیت اطلاعاتی همراه است (Al-Shaer and Zaman, 2019). بنابراین، کمیته حسابرسی زمانی بیشترین اثر را در شفافیت خواهد داشت که هم از لحاظ ساختاری مستقل باشد و هم از لحاظ مهارتی توانایی تحلیل و نظارت دقیق بر گزارشگری را دارا باشد.

مضمون سوم بر کارکرد حسابرسی داخلی به عنوان ابزار کنترل پیشگیرانه و مکمل نظارت تأکید دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد وجود واحد حسابرسی داخلی کارآمد از طریق تقویت کنترل‌های داخلی، شناسایی زود هنگام انحرافات و نظارت بر فرآیندهای مالی پیش از افشا، می‌تواند احتمال گزارشگری همراه کننده را کاهش دهد و قابلیت اتکای اطلاعات مالی را ارتقا دهد (ارواحی و رجائی‌زاده هرندی، ۱۴۰۱). این نتیجه با شواهد بین‌المللی نیز همسو است و نشان می‌دهد کیفیت حسابرسی داخلی رابطه مثبتی با قابلیت اتکای گزارشگری مالی داشته و کاهش مدیریت سود را به دنبال دارد (Ahmed and Duellman, 2018). از منظر کاربردی، این یافته اهمیت حسابرسی داخلی را به عنوان نخستین خط دفاعی شرکت در برابر انحرافات مالی و اطلاعاتی برجسته می‌کند، به‌ویژه در شرکت‌هایی که نظارت بیرونی ضعیف‌تر است.

در نهایت، جمع‌بندی مضامین استخراج شده نشان می‌دهد شرکت‌هایی که مجموعه‌ای از سازوکارهای نظارتی قوی شامل هیئت‌مدیره کارآمد، کمیته حسابرسی فعال و حسابرسی داخلی توانمند را به صورت هم‌زمان به کار می‌گیرند، معمولاً از سطح بالاتری از شفافیت گزارشگری مالی برخوردارند. این هم‌پوشانی سازوکارها موجب کاهش خطاهای گزارشگری، تقویت نظارت حرفه‌ای و محدودسازی رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت می‌شود. بنابراین، نقش حاکمیت شرکتی در ارتقای شفافیت، یک نقش جمعی و سیستمی است؛ به این معنا که اثرگذاری هر سازوکار در حضور سایر سازوکارها تقویت می‌شود و بدون هماهنگی میان آن‌ها، نتایج مطلوب حاصل نخواهد شد.

بر اساس مرور نظام‌مند پژوهش‌های منتخب و تحلیل مضمون، مشخص شد که سازوکارهای حاکمیت شرکتی نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در ارتقای شفافیت گزارشگری مالی و کاهش مدیریت سود دارند. با این حال، نتایج پژوهش نشان می‌دهد میزان اثربخشی هر یک از این سازوکارها ثابت و یکسان نیست و تحت تأثیر عواملی همچون ساختار مالکیت، حمایت‌های قانونی و نظارتی، کیفیت نظارت بیرونی، سطح توسعه بازارهای مالی و فرهنگ سازمانی قرار دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بهبود شفافیت مالی مستلزم توجه هم‌زمان به طراحی سازوکارهای رسمی و کیفیت اجرای واقعی آن‌ها در شرکت‌هاست.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- شرکت‌ها با تقویت استقلال واقعی هیئت‌مدیره و افزایش حضور اعضای متخصص مالی، زمینه نظارت مؤثرتر بر فرایند گزارشگری و کاهش مدیریت سود را فراهم سازند.
- تشکیل و فعال‌سازی کمیته‌های حسابرسی مستقل و برخوردار از دانش حرفه‌ای می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت افشا و شفافیت اطلاعات مالی ایفا کند.

- سازمان‌های نظارتی و نهادهای قانون‌گذار، با تدوین چارچوب‌های الزام‌آور، شفاف و قابل ارزیابی برای اجرای اصول حاکمیت شرکتی، از اجرای صوری این سازوکارها جلوگیری نمایند.
- سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی در ارزیابی شرکت‌ها، علاوه بر شاخص‌های سودآوری، سطح رعایت الزامات حاکمیت شرکتی و کیفیت نظارت داخلی را به‌عنوان یک معیار کلیدی تصمیم‌گیری مدنظر قرار دهند.
- پژوهش‌های آتی می‌توانند با تمرکز بر تفاوت‌های نهادی، ساختار مالکیت و شرایط صنایع مختلف، اثرگذاری سازوکارهای حاکمیت شرکتی را در دوره‌های زمانی بلندمدت با دقت بیشتری بررسی کنند.

منابع

ارواحی، م.، و رجائی‌زاده هرندی، م. (۱۴۰۱). اثر سازوکارهای نظارتی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی. *پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۹ (۴): ۷۴-۵۵.

Ahmed, K., and Duellman, S. (2018). Managerial overconfidence and financial reporting quality. *Journal of Accounting and Public Policy*, 37(3):107–129.

Al-Shaer, H., and Zaman, M. (2019). Board gender diversity and sustainability reporting quality. *Journal of Corporate Finance*, 55 :1–15.

Asiedu, K. F., and Mensah, S. (2023). Corporate governance and firm performance: Evidence from Sub-Saharan Africa. *Cogent Economics & Finance*, 11(1):1–25.

Braun, V., and Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2):77–101.

Dechow, P., Ge, W., and Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants, and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2–3):344–401.

Garcia-Meca, E., and Sánchez-Ballesta, J. P. (2021). Corporate governance and earnings management: A meta-analysis. *International Review of Financial Analysis*, 75:101–215.

Hsu, A. W. H., and Yang, S.-L. (2022). Internal audit quality and financial reporting reliability. *Asian Review of Accounting*, 30(2):251–272.

Salehi, M., Moradi, M., and Farhangi, A. (2023). Corporate governance mechanisms and financial reporting transparency. *Journal of Accounting Research*, 60(2):112–134.

Tranfield, D., Denyer, D., and Smart, P. (2003). Towards a methodology for systematic literature reviews. *British Journal of Management*, 14(3):207–222